

هانری برگسون

# خنده

جستار در معنی امور خنده‌آور

برگردان: مهستی بحرینی

## فهرست

- پیش‌گفتار ..... ۷
- در شناخت این کتاب ..... ۱۱
- به چه می‌خندیم (۱)؟ برگسون روان‌شناس ..... ۱۳
- چرا می‌خندیم (۱)؟ برگسون جامعه‌شناس ..... ۱۵
- به چه می‌خندیم (۲)؟ برگسون، فیلسوف هنر ..... ۱۷
- چرا می‌خندیم (۲)؟ برگسون اخلاق‌گرا ..... ۱۸
- فصل نخست: امر خنده‌آور به طور عام ... ۲۱
- فصل دوم: کمدی موقعیت و کمدی واژگان ..... ۷۵
- فصل سوم: کمدی شخصیت ..... ۱۲۷

## به چه می‌خندیم (۱)؟ برگسون روان‌شناس

«فرمول» روکشی از امری خودبه‌خود بر موجودی زنده! را نمی‌توانیم بدون رجوع به فلسفه برگسون درک کنیم. این فرمول عمیقاً، هرچند محتاطانه (و کم‌وبیش به طرزی نامحسوس)، متضمن فلسفه برگسون است و حتی مرحله مهمی از آن به‌شمار می‌آید.

کلید این فرمول را باید در «ماده و حافظه» جست که چهار سال پیش از آن، در ۱۸۹۶ با عنوان فرعی «جستار در رابطه جسم و روح» منتشر شده بود. این نوشتار درعین حال منادی کتاب بعدی برگسون نیز هست: «تحول خلاق» (۱۹۰۷) که موضوع مطرح در آن زندگی است. اما در سال ۱۸۹۶ بود که برگسون آنچه را می‌توان تفوق عمل، یا تفوق زندگی، نامید به اثبات رساند. *Primum vivere*، نخست زندگی، این است قانونی که کنش جسممان را به همان خوبی توضیح می‌دهد که کنش روحمان را، و نیز سازگاری ضروری این دو را با یکدیگر. مغزمان اندام اصلی این «توجه به زندگی» است که هر لحظه خود را به ما می‌قبولاند: نخست از طریق ادراک اشیاء، به نسبت اهمیتی که برایمان دارند، سپس از طریق بسیج حافظه و دانسته‌هایمان، و این نیز متناسب با محدودیت‌ها.

برگسون آن را معیاری برای تشخیص بهنجار و نابهنجار و سلامت و بیماری قرار داده بود. به نظر او حتی کسی که نیروی خود را هنوز در عمل متمرکز کرده است اما تنها در لحظه زندگی می‌کند، کسی است که رفتاری «بی‌اختیار» دارد و آن که تنها در خاطراتش زندگی می‌کند، «خیالباف» است. این نامگذاری‌ها خود نشان‌دهنده آن است که دقت در انطباق و سازش عاملی است که زمینه هرگونه عدم تعادل را فراهم می‌آورد: به محض اینکه جسم یا روحمان خود را از قید توجه به زندگی رها سازد، خنده آور می‌شود. بنابراین نظریه‌ای که برگسون در اینجا از آن پشتیبانی می‌کند - همان کاری که فروید پنج سال بعد با کلمه روح کرد - ریشه در فلسفه‌ای کلی درباره زندگی ذهنی، خودآگاه یا ناخودآگاه، دارد.

در هر صورت، این است نظریه و دستاورد کتاب «خنده». از تحرکات جسممان گرفته تا جنب و جوش‌های روحمان، تا امر گذرایی که رفته‌رفته به وسواس فکری و «فکرهای ثابت» می‌انجامد، همه آشکال کم‌دی ناشی از اختلال ماشین زنده‌ای است که ماییم و این حال هنگامی رخ می‌دهد که این ماشین به تنهایی و بی‌توجه به زندگی، یعنی بی‌توجه به موقعیت، به وضع موجود، به ضرورت، و به دیگران، آغاز به کار می‌کند. بدین سان «زندگی» که در ۱۸۹۶ به‌مثابه الزامی کلی و بیرونی تلقی می‌شد (باید زندگی کرد) متضمن تحرکی انعطاف‌پذیر و خلاق نیز هست. بنابراین، «موجود زنده» به اندیشه برگسون راه می‌یابد و این بار منادی کتابی می‌شود که در ۱۹۰۷ تألیف کرد. «خنده» به هیچ‌روی کاربست ساده یک نظریه نیست بلکه همراه با دیگر جستارهای این دوره میانی و بیش از همه آن‌ها، اثری مستقل و کامل است و مرحله‌ای مهم و حیاتی در اندیشه برگسون.

## چرا می‌خندیم (۱)؟ برگسون جامعه‌شناس

اما آنچه «خنده» را با وضوحی بیشتر تبیین می‌کند، نخستین پاسخ به پرسشی است که کم‌دی بی‌درنگ به ذهن متبادر می‌سازد: چرا می‌خندیم؟ در واقع، کافی نیست بگوییم به چه می‌خندیم. چرا اختلالی غیرارادی در جسم یا روح یک انسان مایه خنده کسی دیگر یا (بنا بر نظریه برگسون) مایه خنده بسیار کسان دیگر می‌شود؟ اینجاست که به تازگی شگرف این کتاب متعلق به ۱۹۰۰ که بر فلسفه اخلاقی، اجتماعی و سیاسی‌ای پیشی گرفت که مدت‌ها بعد (در ۱۹۳۲) در آثار برگسون نمایان شد، پی می‌بریم. تازگی این کتاب از همان هنگام آن را به مکتب‌های مهم جامعه‌شناختی زمان برگسون (۱۹۰۰) مرتبط ساخت. به نظر برگسون، اگر به این اختلال جسمی و روحی با خنده واکنش نشان می‌دهیم، دلیلی کاملاً حیاتی و اجتماعی دارد. خنده، رفتاری جسمانی است که زندگی برای اصلاح شخصیت کمیک به کار می‌گیرد تا او را به رعایت هنجاری فراخواند که در جامعه عینیت یافته است و اعمال می‌شود. از نخستین صفحات کتاب که سخت جدی و حتی انعطاف‌ناپذیر می‌نماید، خنده به‌مثابه امری عقلانی پدیدار